

دلیل پیروزی‌های پدرو پی پوتین

چگونه کرملین با تسلط و سرکوب رسانه‌ها، تصویر مورد نظر خود را به خورد افکار عمومی می‌دهد

ایلیا یا بلوکوف

برگزاری انتخابات در روسیه همیشه برای کرملین دشوار و حساس بوده است. به این صورت که اگر کرملین بخواهد در انتخابات گزینه‌های متعددی پیش روی مردم بگذارد، آن وقت از این نگران می‌شود که مبادا مردم انتخابی خلاف میل پوتین داشته باشند و اگر هم بخواهد گزینه‌های معدودی پیش روی رای‌دهندگان بگذارد آن وقت ممکن است بگویند ماهیت تمامیت‌خواه رژیم روسیه بار دیگر خود را نشان داده است. امسال ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه در خصوص انتخابات پارلمانی که روز جمعه برگزار شده و روز یکشنبه پایان یافت، ترجیح داد چندان خطر نکند. از زمانی که الکسی ناوالنی، رهبر اپوزیسیون روسیه و مشهورترین منتقد کرملین به روسیه بازگشت، پوتین بر روندی از سرکوب‌ها و فشارها نظارت کرد؛ به تعداد بسیاری از رسانه‌های مستقل روسیه برچسب «عامل بیگانه» زده شده و فعالیت‌شان محدود شد. چهره‌های اپوزیسیون یا از فعالیت سیاسی منع یا اینکه تهدید شدند که به تبعید فرستاده خواهند شد. از سوی دیگر الکسی ناوالنی در زندان است و بیشتر همراهانش نیز از کشور خارج شده‌اند و فعالیت سازمانی که او تاسیس کرده بود نیز ملغی و غیرقانونی اعلام شده است. در واقع اپوزیسیون روسیه دچار تزلزل شده است. علاوه بر این، در قبال همه این اقدامات هیچ صدای اعتراضی در روسیه بلند نشده است. میزان محبوبیت ولادیمیر پوتین همچنان ثابت باقی مانده و نتیجه انتخابات نیز اکثریت کرسی‌های مجلس را در اختیار حزب روسیه متحد قرار داد و به این ترتیب نظام کرملین قدرتش را تثبیت کرد.

رسانه‌های روسی حامی پوتین، محور نظام کنترل سیاسی اجتماعی کرملین هستند. این رسانه‌ها طیف گسترده‌ای از شبکه‌های تلویزیونی و روزنامه‌ها را شکل داده‌اند که اغلب محتوای جعلی و بدون سند منتشر می‌کنند و در کنار هم ستون فقرات نظام پروپاگاندايي ولادیمیر پوتین

را شکل می‌دهند. این شبکه گسترده، علیه هرگونه مخالفت و انتقادی، چه در داخل و چه در خارج از روسیه، موضع می‌گیرند و همچون سپری از پوتین محافظت می‌کنند. وقتی این شبکه در کنار رویه سرکوبگرانه کرملین قرار می‌گیرد، نتیجه این می‌شود که پوتین پیروز از میدان بیرون می‌آید. تقریباً همه شبکه‌های تلویزیونی و روزنامه‌های روسیه تحت کنترل دولت این کشور هستند. برخی شبکه‌های تلویزیونی نظیر REN TV نیز که خصوصی هستند، توسط کسانی اداره می‌شوند که روابط نزدیکی با کرملین دارند. برخی دیگر نظیر Rossiya و Channel One شبکه‌های دولتی‌اند و همیشه مشغول تولید اخبار تبلیغاتی در حمایت از کرملین هستند. در پشت پرده، افرادی نزدیک به پوتین نظیر الکسی گروموف که معاون رئیس دفتر رییس‌جمهور و مسوول نظارت بر عملکرد رسانه‌هاست، با دقت همه پیام‌های رسانه‌ای را رصد می‌کنند؛ شکست‌ها کم اهمیت جلوه داده می‌شوند، انتقادهای حذف می‌شوند و به هر طرف نظر بیندازید، این ستایش‌ها از پوتین است که منتشر می‌شوند و او را رهبری خردمند و منطقی تصویر می‌کنند. این ماشین پروپاگاندا برای حرکت کردن نیازی به اجبار در استخدام نیرو ندارد. ارتشی از خبرنگاران، سردبیران و تهیه‌کنندگان تلویزیونی خیلی هم خوشحال می‌شوند که برای ارتقای درجه و دریافت پول بیشتر یک خط سیاسی خاص را دنبال کنند و مدیریت زنجیره‌ای از حساب‌های جعلی در شبکه‌های اجتماعی را در حمایت از پوتین، نخست وزیر و فرمانداران بانفوذ منطقه‌ای برعهده بگیرند. البته این نان به نرخ روزخورها و فرصت‌طلبان که در لباس روزنامه‌نگار به کرملین خدمت می‌کنند، به خوبی از واقعیت‌های روسیه فعلی آگاهند. اما انتخاب کرده‌اند که در سمت برنده ماجرا بازی کنند. این رسانه‌ها و روزنامه‌ها که با سرمایه‌های میلیارد دلاری دوستان نزدیک پوتین اداره می‌شوند از سیاه‌ترین ترس‌های مردم روسیه تغذیه می‌کنند. تهدید وقوع فاجعه اقتصادی و احتمال فروپاشی سرزمینی، در کشوری که در دهه 1990 هر دو را تجربه کرده، هنوز رعب و وحشت در دل مردم روسیه ایجاد می‌کند و رسانه‌های حامی کرملین مدام تکرار می‌کنند که تنها وفاداری به کرملین می‌تواند هیولاهایی که قصد حمله به روسیه دارند را دور نگه دارد. اتحادیه اروپا، انگلیس و آمریکا به عنوان مهد زوال ارزش‌های اخلاقی و کشورهای بی‌ثباتی و فقر در آنها موج می‌زنند، تصویر می‌شوند. البته در کشوری مثل روسیه که 72 درصد جمعیتش گذرنامه ندارند-چراکه اساساً از تمکن مالی برای سفر به خارج از کشور برخوردار نیستند- چنین پیام‌های رسانه‌ای، گوش‌های شنونده زیادی پیدا می‌کند. این نوع خبررسانی در یک دایره بسته، روی افکار عمومی تاثیر زیادی گذاشته است. در سال 2008، یعنی زمانی که درگیری نظامی میان روسیه و گرجستان بر سر

آبخازیا و اوستیا شدت یافت، رسانه‌های حامی کرملین بار دیگر وارد میدان شدند و از گرجستان کشوری پیش چشم افکار عمومی روسیه تصویر کردند که گویی تفلیس به مرکز فعالیت‌های نیروهای ضدروسی که قصد خشونت‌ورزی دارند، تبدیل شده است. نتیجه این نوع اطلاع‌رسانی بسیار جالب توجه بود. یکسال بعد، وقتی که جنگ پایان یافت، 62 درصد مردم روسیه معتقد بودند گرجستان که کشوری کوچک در جنوب قفقاز است، مهم‌ترین دشمن روسیه است. حالا که دولتی نزدیک به روسیه در گرجستان بر سر کار آمده، دیگر در تلویزیون‌های روسی نشانی از گزارش‌های ضد گرجستان نمی‌بینید. حالا دیگر مردم روسیه، گرجستان را دشمن خود نمی‌دانند و آن جماعت 62 درصدی به 15 درصد کاهش یافته است. در روسیه، همه برنامه‌های شبکه‌های تلویزیونی و همچنین صفحات روزنامه‌ها، تحت نظارت کرملین است. اینترنت هم تحت تسلط کرملین است.

10 سال پیش، شبکه‌های اجتماعی نقشی موثر در سازماندهی اعتراضات خیابانی مردم روسیه به نتایج انتخابات پارلمانی این کشور ایفا کردند. از آن زمان تاکنون، تدابیر تکنولوژیکی و قانونی اندیشیده شده و کرملین با توسل به آنها می‌تواند با نفوذ به تلفن‌های همراه و کامپیوترهای مردم، اتهامات امنیتی به مردم وارد کند. این اقدام کرملین به‌طور کلی استقلال بزرگ‌ترین شرکت‌های حوزه تکنولوژی روسیه نظیر Yandex را زیر سوال برده است و موجب شده که اینترنت در روسیه به ابزاری در دستان پلیس این کشور تبدیل شود. تنها انتشار یک پست نامناسب از نظر کرملین در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند چندین سال زندان برای کاربر به دنبال داشته باشد. اما این داستان سر دراز دارد.

ژانویه گذشته الکسی ناوالنی فیلمی از عمارت باشکوه ولادیمیر پوتین در حاشیه دریای سیاه منتشر کرد. موفقیت انتشار این فیلم این بود که 118 میلیون روسی این فیلم را مشاهده کردند و این واقعیت نشان داد که تسلط دولت بر رسانه‌ها آنقدرها هم نمی‌تواند مانع از دسترسی مردم روسیه به محتوای بدون سانسور شود. هر قدر هم که کرملین با استفاده گسترده از روبات‌ها، ترول‌ها و قوانین محدودیت‌زا در پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی مداخله کند، باز هم انتشار اطلاعاتی که به کرملین آسیب بزند، امکان‌پذیر است. از سوی دیگر، هنوز معدودی از رسانه‌های محلی و سراسری مستقل هستند که در روسیه به فعالیت مشغولند. اگرچه این رسانه‌ها به سختی می‌توانند با رسانه‌های دولتی و کانال‌های تلویزیونی تحت تسلط کرملین رقابت کنند اما آنها هم تا حدودی توانش را دارند که بر بخشی از افکار عمومی روسیه تاثیر بگذارند. برای مثال نشریه Meduza که یکی از مشهورترین رسانه‌های

خبري مستقل در روسيه است در طول سالها ميليونها بازديدکننده را به وبسایت خود جلب ميکند و رسانه مستقل MediaZona که تمرکزش روی فساد و استفاده نامشروع از قدرت است، اوایل امسال دو ميليون خواننده جديد داشته است و این تعداد مخاطب را از طريق گزارشها و پوشش خبري کامل و جامعش درباره دادگاه الکسي ناوالني به دست آورده است. TV Rain، کانال تلویزیوني مستقل ديگري است که توانسته 2 ميليون و 300 هزار بيننده داشته باشد. اگرچه این موفقيتها مي‌توانند کوچک و مقطعي باشند اما همین موفقيتهاي اندک ثابت کرده‌اند که ولاديمير پوتين کار سختي بر سرکوب افکار عمومي در پيش دارد. قانون «عنصر خارجي» که در سال 2012 به تصويب رسيد با هدف برخورد با رسانه‌هاي خارجي نظير صداي امريکا و راديو آزاد اروپا به اجرا گذاشته شد. کرملین از طريق این قانون این امکان را به دست آورد تا عيار رسانه‌هاي مستقل را نیز کاهش دهد. امسال 6 رسانه و 19 روزنامه‌نگار براساس این قانون به عنوان عنصر خارجي معرفي شدند. رسانه‌هاي بزرگ‌تري نظير Meduza هم براي بقا در حال دست و پا زدن هستند. اگرچه شرايط به شدت بد است اما هنوز اميدهايي وجود دارد. روزنامه‌نگاران و رسانه‌هاي مستقل همچنان راهي براي ادامه کار پيدا مي‌کنند. آنها سعي مي‌کنند با خلق فرصت‌هايي در ميانه محدوديتهايي که کرملین براي‌شان ايجاد کرده، همچنان به حیات خود ادامه دهند. اما با همه این اوصاف، روش رسانه‌اي ولاديمير پوتين در دو بخش استفاده از ماشين پروپاگاندا از يکسو و به‌کارگيري ابزارهاي سرکوب از سوي ديگر، همچنان براي‌شان موفقيت به همراه داشته است. اما حالا که روسيه با اقتصاد رو به زوال، جمعيت سالخورده و نارضايتي زيرخاکستر روبه‌رو است، این روش نمي‌تواند براي هميشه موفقيت به همراه داشته باشد، اما ظاهراً تا اطلاع ثانوي این روش نتيجه بخش خواهد بود.

استاد روزنامه‌نگاري و رسانه‌هاي ديگيتال در دانشگاه شفيلد انگليس

مترجم: آرمين منتظري

منبع: New York Times